

**روزنامه فرهنگی-اجتماعی-اطلاع رسانی**

صاحب امتیاز: شهرداری مشهد  
مدیر مسئول: سعید مهندس موسوی مهر  
سردبیر: سعید سجاده طلوع هاشمی  
نشانی: خیابان کوهسنگی  
ابتدای کوهسنگی ۱۵  
دفتر مرکزی: ۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸  
تلفن: ۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴  
وبسایت: Mashhadchehreh.ir  
شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۷۸۰

**SHAHRARANEWS.IR**

**۲شنبه**

**Mashhadchehreh.ir**

**Photoshahr.ir**

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

مشاق نامه اخلاق حرفه‌ای

**دما: ۲۶°** **رطوبت هوا: ۴۹%**

**صبح ۱۸** **ظهر ۲۴** **عصر ۲۳** **شب ۱۸**

**اذان ظهر ۱۱:۲۶:۱۲** **نیمه شب شرعی ۲۲:۴۳:۳۷**  
**اذان صبح فردا ۰۳:۵۰:۵۵** **غروب آفتاب ۱۷:۳۷:۱۷**  
**اذان مغرب ۱۷:۵۵:۲۹** **طلوع آفتاب فردا ۰۵:۱۵:۵۸**

**اوقات شرعی مشهد**

**پیامبر اکرم (ص)**

کلمة حکمة یسمعها المؤمن فیعمل بها خیر من عبادة سنة.

سخن حکمت آمیزی که مؤمن آن را می شنود و به کار می بندد از عبادت یک سال بهتر است.

الزهد لابن المبارک، ص ۴۸۷

**نگاره**

**نگاره «معراج» اثری است منسوب به آقا میرک. این تصویر بزرگی از نسخه فالنامه مربوط به دوره صفوی است که از مجموعه «آرتور ساکله» به شمار می آید و در موزه واشنگتن دی سی نگهداری می شود.**

**چکامه**

**والا پیام دار محمد**

۴۶ سال است وادی موسیقی اثری فاخر از فرهاد مهرداد به خود دیده که ادای دین و احترامی است به پیامبر اعظم (ص). شعری با نام «وحدت»، که سیاوش کسرابی خالق «آرش کمانگیر» و «خون سیاوش» آن را سرود و اسفندیار منفردزاده موسیقی دان نامدار کشورمان برایش آهنگ ساخت و فرهاد با آن صدای تأثیرگذار و جاودانه اش به جان مخاطب نشانند. «وحدت» به گوش همه مان آشناست و همچنان برای خیلی از علاقه مندان جدی موسیقی در این ایام انتخاب نخست برای شنیدن و آنس بیشتر با حضرت محمد (ص) است.

در ادامه متن شعر را می خوانید و می توانید با اسکن کد علاوه بر گوش دادن به این قطعه، جستاری را که درباره این اثر موسیقایی در روزنامه شهرآرا منتشر شده است بخوانید.

**«الملك یبقی مع الکفر/ ولا یبقی مع الظلم»**

**والا پیام دار محمد**  
گفتی که یک دیار هرگز به ظلم و جور نمی ماند  
بر یا و استوار هرگز! هرگز!  
**والا پیام دار محمد**  
آنگاه تمثیل وار کشیدی عبا و وحدت بر سر پاکان روزگار  
**والا پیام دار محمد**  
در تنگ بر تبرکت آن نازنین عبا. دیرینه ای محمد  
جا هست بیش و کم ازاده را که تیغ کشیده است بر ستم  
**والا پیام دار محمد**  
گفتی که یک دیار هرگز به ظلم و جور نمی ماند  
بر یا و استوار هرگز! هرگز!  
**والا پیام دار محمد/ والا پیام دار محمد و...**

**کوچه**

**دینی به نام اخلاق**

دین داریم آیا؟ در جواب باید اما و اگر آورد. چه اگر مراد از دین داری، اجرای مناسک باشد، مومنین تا حدودی و برخی هم مومن تمام هستند، اما اگر به روح جاری در رفتار و کردارمان باشد، بسیاری مان رفوزه می شویم حتی خیلی از همان مومن تمام ها! چه ایمان ما را به پیامبر اعظم (ص) اندازه خواهند گرفت. هرچه به او شبیه باشیم مومنین و الا در مناسک که کسی به کرد پای خوار نمی رسد، اما کیست که فاصله بی نهایت آن ها با پیامبر اکرم (ص) را نداند؟ گونه های به روز شده آن ها هم همین طور.

برای همین طور، دیگر اجازه می خواهم نگاهی به خود بیندازم. به خودمان نگاه کنیم. در رفتارهای اجتماعی ما زیست پیامبرانه کجاست؟ به قول مولوی بزرگ، شیر را بچه همی ماندند و توبه پیغمبر بچه می مانی بگو! از رسول خدا و رفتار و گفتارش فراوان شنیده و خوانده ایم. پس منتر و معیار دست ماست. خود را اندازه بزنیم تا ببینیم چه قد و قامتی داریم در این وادی. حال جامعه و آمار پر خاشاگری

نزع های خیابانی و تعداد پرورنده های قضایی و راهروهای پاسگاه و دادگاه گواهی می دهد چه کاره ایم. واقعیت این است که هر کس می خواهد به خیر و خوبی برسد باید به خیر و خوبی زندگی کند. راه دیگری وجود ندارد. نمی شود بدی کاشت و خوبی برداشت کرد. مردم علیک السلام را در پاسخ به سلام بر زبان می آورند. و رحمة... و برکات را هم بر آن می افزایند چون خوبی را باید با خوبی نیکوتر و کامل تر جواب داد. با اخلاق حسنه است که می شود حسنات را در جامعه جاری کرد. این را خرد مندان دریافته و نوشته اند که، خوش اخلاقی، عنصری کلیدی در دین داری و عاملی مهم در موفقیت انسان است. شاید مهم ترین ویژگی رسول خدا (ص) اخلاق برتر اوست که در قرآن نیز بدان اشاره شده است: «به راستی که تو دارای اخلاق عظیم هستی، همین خُلق عظیم است که خُلق را به عظمت می رساند. در جای دیگر هم قرآن با تمجید از نرم خوبی رسول

خدا (ص) تأکید می کند که اگر تندخو بودی، مردم از اطرافت پراکنده می شدند. اصلاً بد اخلاقی انرژی منفی و دافعه تولید می کند که مردم را فراری می دهد. خوش اخلاقی است که به تولید انرژی مثبت همت می کند و رسیدگان را هم باز می گرداند. می دانیم که خوش رفتاری و التزام به مکارم اخلاقی، در سیره اجتماعی و تربیتی پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) از جایگاه والایی برخوردار است. تاجایی که کامل کردن ویژگی های والای اخلاقی به عنوان فلسفه بعثت نام می گیرد.

اخلاق شایسته در نگاه نبوی هم سنگ دین است بنابراین از حضرت تاشان می خوانیم: «اسلام همان اخلاق نیک است، نمی شود دین داشت، اما از اخلاق درست بی بهره بود.

آن ها که خود را متدین می پندارند اما از این فضیلت بی بهره اند، حداقل نصف دین را به دست نمی آورند چه در روایتی نبوی، اخلاق نیک نصف

**اول شخص**

**نقاب دار اخم و لبخند**

**مروری کوتاه بر زندگی هنری مجید صالحی، بازیگر و کارگردان سینما و تلویزیون که امروز ۴۹ ساله شد**

**یکم/ سیاه زنگی و هفت چکلون**

این بار اولی بود که قاچاقی آمده بود سینما. ایرج طهماسب در نقش خلیل سمندر با سبیل های کلفت و صورت استخوانی و کشیده، داشت روی پرده بزرگ سینما کباب می زد و مجید نوجوان هیچ خبر نداشت سال ها بعد نخستین تجربه بازیگری در سینما را کنار او تجربه می کند. تا آن لحظه، ایرج طهماسب هم یکی بود مثل باقی بازیگرها. مثل جمشید هاشم پور توی تاراج که بیشتر از سه بار با بردارش رفته بود سینما و ریز و درشت سکانس هایش را از بر بود. فیلم های روی پرده، سرگرمی جذاب سال های دهه ۶۰ بود. قرار نبود آینده اش را با هنر سینما بسازد. نهایت مرآوده او با فیلم ها، همان ساک قدیمی پر خاخره ای بود که با درآمد دوماه شاگردی توی یک مغازه، با ۴۸ تا نوار کاست وی اچ اس از فیلم هایی که دوست داشت

پیر کرده بود. فیلم های سالم و سلامتی که یک خانواده می توانستند کنار هم تماشا کنند. فیلم کرایه دادن را برای امرار معاش پیش گرفته بود. چه می دانست دارد ذره ذره شوق به سینما را در ناخود آگاهی می کارد. اما آن سالی که به پیشنهاد دوستانش کلاس های بازیگری استاد سمندریان را ثبت نام کرد، ورق برگشت. حالا دیگر او تسلیم جذب هنر شده بود. نخستین رویارویی او با سطح حرفه ای بازیگری، برابر جاودانه ترین استاد بازیگری ایران بود. مجید جوان خیلی خوش اقبال بود که الفبای بازیگری را در گام های نخست از سمندریان آموخت.

همان وقت هایی که سر کلاس ها میانی بازیگری و تربیت حس را درس می گرفت، می فهمید آن خشم کنترل شده توی صورت جمشید هاشم پور یعنی چه! سمندریان از اصول کارگردانی می گفت و مجید صالحی تازه خاطرش می آمد آن میزانسن ها توی خط پایان چقدر حساب شده بود.

حالا فیلم دیدن هم جور دیگری مزه می داد. تمرینات داشت از او آدم تازه ای می ساخت. زبان هنر را آرام می فهمید و هرچه جلوتر می رفت شیفتگی اش به صحنه نمایش، بیشتر می شد. به خودش آمد دید دارد برای تقدیر در مقام بازیگری روی صحنه اختتامیه جشنواره آیینی سنتی می رود. درخشش او در نمایش «سیاه زنگی و هفت چکلون»، به چشم خیلی ها آمده بود. راه برگشتی نبود. مجید صالحی داشت بازیگر می شد.

**دوم/ مجید دلبندم**

مهرداد خرازی نشستست برابر مجید صالحی در قابی مینیمال و ساده و سفید. هر کدام دو طرف میزی دارند غذا می خورند. مجید

دوست داشتنی سبب خنده، دارد برای همان شیرینی همیشه کلمه ای را اشتباه می گوید: «چاق که بخاری چاقه! دستمون می زینم بهش می سوزه!»  
+ مجید جان دلبندم اون داغه.  
- داغ که یک پرندۀ است کلاغه داغ داغ می کنه!  
+ وای مجید اون غاره! و همین طور رگبار کلمات پشت سر هر ردیف می شود و مخاطب با تمام سادگی متن مثل هر بار می خندد و پا به پای مهرداد خرازی حرص می خورد.

مجید صالحی چند اثر کوتاه را تجربه کرده و حالا دارد به خوبی توی تیم جوان و پیرانگیزه رضا عطاران دیده می شود. تیمی همدل و خوش ذوق که برای نوشتن هر قسمت هم فکری می کنند و اسم ها توی تیتراژ در سمت های مختلف تکرار می شود. بازیگرها نویسندگی می کنند و نویسندۀ ها مشاوره می دهند و کارگردان با روی باز از ایده های تک تک عوامل استقبال می کند. اقبال از برنامه سازی های دهه ۶۰، مدیون همین همدلی ها بود. رضا عطاران هم یک سال بعد از سیب خنده، در روزگاری که کسی نمی دانست اسپین آف اصلاً یعنی چه، مجید را از سیب خنده گرفت و در قالب سریال مجید دلبندم گسترش داد. اثری در ژانر کودک و نوجوان که بزرگ ترها را هم پای تماشا کشاندۀ بود. مجید صالحی حالا در سمت صدایش به عروسک عجیب و خاطره انگیزی جان می داد که بعدها به نوستالژی دهه شصتی ها تبدیل شد.

از حالا به بعد دیگر همه مجید صالحی را به خوبی می شناختند و هیچ کس انتظار نداشت جایی جز فضای فانتزی و کمدی با هنرنامه اش رویه رو شود. او بازیگر لحظات خوش و شیرین تلویزیونی بود. دوسال بعد، او آخر دهه ۷۰، در حالی برای بازی در فیلم، یکی بود یکی نبود، برابر دوربین ایرج طهماسب داشت نخستین تجربه جدی بازی در سینما را تجربه می کرد که هنوز فراموش نکرده بود یک زمانی چطور با اشتیاق به تماشای خلیل سمندر خط پایان می نشست و با غیبه به

**مجد صالحی در «سیاوش»**

**مجد صالحی در «یکی بود یکی نبود»**

**مجد صالحی در «سبب خنده»**

**عکس روز**

**باز باران!**

باران تابستانی دیروز شهرمان، تداعی باران های اردیبهشتی امسال بود. و نه تنها همه را دست به دوربین کرد و سر ذوق آورد که نوید پاییزی پر باران و سالی پر برکت را به مردم مشهد داد.

عکس: محمد حسن صلواتی/شهرآرا